

متن پیاده سازی شده جلسه پنجاه و یکم سال پنجم درس خارج فقه القضا 20 دی ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه گذشته در مورد کلمه سحت بحث کردیم. در منابع ما کلمه سحت زیاد آمده است. کلمه سحت در روایات و قرآن آمده است. این کلمه، کلمه‌ای نیست که معنای آن واضح باشد. ما در کلمه سحت از حیث دلالت بر حرمت تأمل داشتیم. بحث دیگری که مطرح شد، بحث ضمان بود. اگر در جایی که اجرت سحت است کسی اجرت را گرفت آیا ضامن است؟ اگر به قاضی هدیه داده شود، سحت است. اگر قاضی هدیه را گرفت آیا قاضی ضامن است؟ بحث دیگر بحث مالکیت است. اگر گفتیم اجرت سحت است؛ یعنی دیگر مالک نیست یا نه منافات ندارد درعین حال که سحت است مالک هم باشد. بعید می‌دانم کسی درعین حال که آن را سحت می‌داند قائل به مالکیت باشد. در بحث ضمان واقعاً جای بحث دارد. شیخ انصاری می‌فرماید هدیه قضات، سحت است. حداکثر این است که گرفتن آن حرام است و مالک نمی‌شود؛ ولی ضمان آن جای بحث دارد. ایشان می‌فرمایند در نهایت هبه‌ای فاسد است. در هبه فاسد، شخص مالک نمی‌شود؛ اما اگر مصرف کرد آیا باید قیمت یا مثل آن را برگرداند؟ شیخ انصاری می‌فرماید اگر قرار داد ببندد؛ ولی قرار داد فاسدی ببندد در این صورت حرام است، ضامن است و مالک هم نیست. اگر قرار داد نبسته است و این شخص برای او هبه‌ای آورده است و این شخص هم آن را گرفته است و مصرف کرده است در این جا ضامن نیست. اینجا هم این بحث است که اگر کاری حرام است یا باطل است آیا تصرف هم حرام است؟ مثلاً یکی از شرایط معامله، معین بودن عوضین است. اگر معامله‌ای شود که در آن عوضین معلوم نباشد آیا تصرف در آن حرام است؟ به عنوان معامله باطل است؛ اما از لحاظ جواز تصرف، تکلیف چیست؟ خیلی از فقها می‌گویند تصرف حرام است؛ زیرا آن اذن، اذن ضمن معامله بود و وقتی معامله باطل شد آن اذن هم منتفی می‌شود. برخی از بین رفتن اذن ضمنی را قبول نمی‌کنند. اذن، ضمن بیع بود اما می‌گویند اذن، ضمن بیع آمد؛ اما با رفتن بیع، اذن ضمنی نمی‌رود.

بررسی دلالت روایت ششم

امام (ع) در این روایت یک‌سری از نشانه‌های آخرالزمان را بیان کرده است. روایت از جهت سند اشکالی ندارد. روایت دو سند دارد که یکی از سندها سند خوبی است. به این روایت، روایت ملاحم گفته می‌شود. ملاحم جمع ملحمه است. ملحمه به معنای حوادث ناگوار است.

در این روایت دهها پیشگویی وجود دارد. برخی از آن پیشگویی‌ها حرام است. مثلاً می‌گویند در آخرالزمان مؤمنان را مسخره می‌کنند. برخی از این پیشگویی‌ها از جهت حرمت یا مجاز بودن مشکوک است؛ مانند همین مورد بحث ما. خیلی از موارد مطرح شده در روایت، برآیندی است نه فرایندی. می‌دانید اگر چیزی بخواهد حرام باشد باید فرایند باشد نه برآیند. مثلاً می‌گویند می‌بینی که دین مندرس شده است. نمی‌توانیم بگوییم یکی از محرّمات، اندراس دین است. اندراس دین، برآیند و نتیجه است و نمی‌تواند حرام باشد. بلکه یکی از محرّمات مندرس کردن دین است.

برخی از موارد هم وجود دارد که نمی‌توانیم به حرمت آن ملتزم شویم؛ مانند این که می‌فرماید: «و رأیت البهائم یفرس بعضها بعضاً» می‌بینی که برخی بهائم به راحتی دیگر حیوانات را می‌درند. اگر این بهائم را به معنای ظاهری آن که حیوانات است بگیریم، نمی‌توانیم به حرمت آن قائل شویم؛ اما ممکن است مراد قدرت‌های بزرگ باشد. البته یک اشکال به ذهن می‌رسد که مگر در زمان ائمه، حیوانات، حیوانات دیگر را نمی‌دریدند درحالی‌که این طبیعت حیوانات در همه زمان‌ها بوده است مگر این که بگوییم

در آخرالزمان این درندگی حیوانات بیشتر می‌شود.

در موردی دیگر دارد «و رأیت الناس ينظر بعضهم الى بعض». مراد چشم و هم چشمی است. این که افراد نگاه به زندگی دیگران می‌کنند و یک رقابتی در این زمینه شکل می‌گیرد. کسی چشم و هم چشمی ایجاد کند شاید بگوییم حرام است. برخی در تبلیغاتی که در تلویزیون می‌شود تأملاتی دارند. کسانی که در فقه رسانه کار می‌کنند باید این را بررسی کنند. گاهی یک مغازه‌دار بر درب مغازه می‌زند که فلان جنس مرغوب موجود است این تأثیر چندانی ندارد؛ اما وقتی رسانه یک کالای لوکسی را تبلیغ می‌کند تأثیر آن متفاوت است. نمی‌توانیم بگوییم مصرف‌گرایی در شکل خصوصی آن حرام است مثل این که خانمی به همسرش بگوید دوست من فلان جنس را خریده است ما هم آن را بخریم. این از علامات آخرالزمان است. البته در کشورهای مختلف هم فرق دارد.

پس نمی‌توانیم بگوییم چشم و هم چشمی حرام است؛ اما ایجاد چشم و هم چشمی در شکل یک رسانه که آن را ایجاد کند می‌توانیم بگوییم حرام است.

در عبارت دیگری در این روایت می‌فرماید: «و رأیت الآيات في السماء لايفزع لها احد» خورشید یا ماه گرفته است؛ اما هیچ‌کسی نمی‌ترسد. برخی این چنین تحلیل می‌کنند که هرچه علم پیشرفت می‌کند و علل حوادث واضح می‌شود؛ ترس بشر از حوادث طبیعی کمتر می‌شود. نمی‌توانیم بگوییم که این کمبود ترس، حرام است.

لذا در برخی از موارد ذکر شده در روایت، امام (ع) فقط واقعیت‌هایی را بیان می‌کنند نه این که حکم آن‌ها را بیان کنند و آنها را حرام اعلام کرده باشند. از جمله موارد ذکر شده این است که زنان شبیه به مردان می‌شوند یا مردان شبیه به زنان می‌شوند. این که مردی یک آرایش‌هایی بکند و به اجتماع بیاید؛ گاهی مصداق هتک است؛ مانند این که آرایش زنانه بکند و بیرون بیاید این حرام است؛ اما گاهی مصداق هتک نیست و عنوان ثانوی هم پیدا نمی‌کند؛ این اشکالی ندارد.

نتیجه این که روایت ملاحم برای بیان واقعیت‌ها است. برخی از آن‌ها حرام است و برخی هم حرام نیست لذا نمی‌توانیم به استناد این روایت، حکم به حرمت اخذ اجرت در مقابل اذان بدهیم.

فضای غالب بر حدیث فضای بیان ناراحتی‌ها و محرمات است. این روایت در غیر از مواردی که می‌دانیم حرام نیست یا بیان فرایندها است، مانند مانحن‌فیه اگر منشأ حرمت نشود، منشأ احتیاط است. این روایت را منشأ فتوا به حرمت نمی‌دانیم به دلیل این نکاتی که در این روایت بیان کردیم. با وجود این روایت، فتوا به جواز نمی‌دهیم؛ زیرا فضایی که بر روایت حاکم است یک فضای بیان ناراحتی‌ها و محرمات است. اگر از خارج بدانیم کاری حرام نیست، نمی‌توانیم در استنباط حرمت آن، به این روایت استناد کنیم؛ اما اگر شک کنیم به سبب این روایت می‌توانیم حداقل احتیاط کنیم.

ما اگر قائل به حرمت اخذ اجرت در اذان شویم حرمت گرفتن اجرت و مالک نشدن و ضامن شدن هم به دنبال آن می‌آید؛ زیرا قرارداد بسته است و قرارداد باطل است؛ و اگر قائل به حرمت نشویم حداقل احتیاط در اخذ اجرت خواهیم کرد.

سوال: شیخ حر عاملی باب را باب حرمة تظاهر بالمنكرات و ذكر جملة من المحرمات نام‌گذاری کرده‌اند.

پاسخ: برخی می‌گویند شیخ حر با این عنوان زدن‌ها موضع‌گیری می‌کند. برخی از این موارد مکروه هم نیست. مثلاً چشم و هم چشمی مکروه است؛ مکروه یعنی معتبر شرعی. این چنین نیست که هرچه خوب است مستحب و هرچه خوب نیست مکروه باشد. مکروه نیاز به اعتبار شرعی دارد. کسی نگوید چشم و هم چشمی زندگی‌ها را نابود می‌کند. آن مطلبی دیگر است.

چند نکته دیگر باقی مانده است. آیا در اقامه می‌توان اجرت گرفت. بحث ارتزاق از بیت‌المال هم باقی ماند. آیا مؤذن می‌تواند از بیت‌المال ارتزاق کند. ارتزاق از بیت‌المال به چه معنا است؛ به شخصی گفته‌اند که در این مکان اذان بگو ماهانه به تو چیزی می‌دهیم. آیا اینها مصداق ارتزاق است یا مصداق اجرت است؛ اگر مصداق ارتزاق باشد اشکال ندارد و اگر مصداق اجرت باشد مشکل است. برخی گفته‌اند ارتزاق از بیت‌المال مشروط به این است که کسی مجانی نیاید یا کسی به طور شخصی پول ندهد و الا ارتزاق از بیت‌المال مجاز نیست.